

صحيفة الحسن عليه السلام

[23] آنگاه امام رو به فرزندانش کرد و وصایای خود را فرمود، و هنگامیکه احساس مرگ کرد و دانست بزودی به دیدار خدایش خواهد شناخت امر خلافت را به فرزندش امام حسن علیه السلام وا گذاشت و از فرزندانش و بزرگان خاندان و پیروانش بر این امر گواه گرفت، و نامه ها و سلاحش را به او تفویض کرد و فرمود: پیامبر به من سفارش کرد که اینها را به تو بسپارم. و امام در حالیکه آیات قرآن تلاوت می کرد روحش از این تیره خاکدان پرواز کرد، پس از او دنیا تاریک شد، چرا که او نوری بود که خدایش آفرید تا ظلمتهای سهمگین جهان را روشنائی بخشد. امام حسن علیه السلام به تجهیز پدر شهیدش پرداخت و پیکر مطهرش را غسل داد و کفن نمود، و چون پاره ای از شب گذشت به همراه چند تن از یاران وفادار آن حضرت در حالیکه جبرئیل و میکائیل جلوی جنازه ایشان را گرفته بودند او را از کوفه به نجف اشرف برده و در آنجا دفن کردند. در این هنگام مقام خلافت به وجود امام حسن علیه السلام زینت یافت و زمامداری حکومت اسلامی با وصیت امیر المؤمنین علیه السلام به ایشان رسید، و از طرف دیگر معاویه با تمام قوا به جلب افراد ساده لوح و نادان مشغول بود. آغاز خلافت امام و دسیسه های معاویه هنگامی که خلافت به امام حسن علیه السلام رسید موجی از اندوه و اضطراب معاویه را فرا گرفت و دچار سرگردانی شدیدی گردید، زیرا
